



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بجثمان در این بود که بعد از رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله انحرافات بوجود آمد و منحرفین برای کوبیدن شیعه و تقویت جایگاه و مکتب خودشان در بین مردم اقدامات و فعالیت های زیادی انجام دادند، اهل بیت علیهم السلام را کنار زدند و صحابه را بجای آنها قرار دادند و بعد برای صحابه قداست و مشروعیت درست کردند و گفتند "الصحابه کلهم مجتهدون" و "الصحابه کلهم عدول" و بعد گفتند صحابه یعنی کسانی که پیغمبر صلی الله علیه و آله را درک کرده باشند ولو اینکه کودک بودند یا چند دقیقه حضرت را درک کرده باشند، حالا می خواهیم ببینیم آیا این اصلی که در مورد صحابه درست کرده اند با قران و اخبار اهل بیت علیهم السلام و حتی اخبار خودشان سازگاری دارد یا نه؟.

در قران کریم آیات فراوانی دالّ بر این مطلب وجود دارد که اینطور نیست که هر کس پیغمبر را ملاقات کرده باشد خوب است بلکه در میان آنها منافقین و مغرضین فراوانی وجود داشته که چند آیه را به عنوان نمونه بیان می کنیم:

اول: جریان آیه اِفْک که در سوره نور بیان شده است، در یکی از غزوات یکی از همسران پیغمبر یا کنیز ایشان با عده ای از قافله عقب ماند و بعد برای او یک جریانی درست کردند و گفتند او مورد تجاوز قرار گرفته است، در روایات ذکر شده که او ماریه قبطیه بوده ولی در روایات اهل سنت ذکر شده که او عایشه بوده، خلاصه افرادی که با پیغمبر مخالف بودند و دشمنی داشتند این قضیه را خیلی توسعه دادند و تبلیغ کردند که بله به همسر پیغمبر تجاوز شده لذا خداوند متعال آیاتی از سوره نور را نازل کرد، خب حالا از این جریان مشخص می شود که همه افرادی که با پیغمبر بودند مجتهد و عادل نبودند بلکه منافقین و افراد مغرض و مخالفی نیز بودند که اینجور دشمنی داشتند، جریان حدیث اِفْک که در سوره نور ذکر شده را خودتان مطالعه کنید.

دوم: خود قران می فرماید: ﴿الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا﴾^۱، اعراب آن افرادی بودند که در بیابان ها زندگی می کردند منتهی معاصر پیغمبر بودند و رفت و آمد داشتند و حضرت را می دیدند ولی قران در مورد آنها اینطور می گوید، باز بطلان حرف آنها که می گویند کل صحابه مجتهد و عادل هستند مشخص می شود.

سوم: جریان احزاب، تمام احزاب مخالف پیغمبر یعنی مشرکین و منافقین و یهود همگی تصمیم گرفتند به مدینه حمله کنند و پیغمبر و اسلام نوپا را به کلی نابود کنند، خب اینها نیز همگی معاصر و از صحابی بودند حالا چطور می توانیم بگوئیم تمام صحابی مجتهد و عادل هستند؟! این جریان نیز در سوره احزاب بیان شده است.

چهارم: جریان ثعلبه که مرتب به نماز جماعت می آمد منتهی آدم فقیری بود و روزی نزد پیغمبر آمد و از فقر خودش شکایت و اظهار ناراحتی کرد و حضرت پولی به او داد و گفت برو چند گوسفند بخر، ثعلبه رفت و چند گوسفند خرید و بعدا گوسفندان بچه آوردند و خدا خواست به مرور زمان یکی از ثروتمندان شد به صورتی که برای گوسفندان او در مدینه جا نبود لذا رفت در بیابان و مرکزی برای نگه داری از گوسفندانش درست کرد و آنها را اداره می کرد، بعد آیه قران نازل شد که از مردم زکات بگیرید لذا حضرت نزد او فرستاد تا زکات گوسفندانش را بدهد، ثعلبه حساب کرد دید که خیلی باید بدهد و گفت ما ایمان آوردیم که جزیه ندهیم حالا چطور باید از گوسفندانم بدهم و خلاصه زکاتش را نداد، آمدند جریان را به پیغمبر گفتند و حضرت فرمود مال دنیا او را هلاک کرد، بالاخره گذشت و پیغمبر از دنیا رفت و ثعلبه پشیمان شد و نزد ابوبکر و عثمان آمد و آنها قبول نکردند خلاصه ثعلبه یک همچین سرنوشتی داشته و معلوم می شود که در زمان پیغمبر نیز افرادی بوده اند که عهد شکنی می کردند و با پیغمبر مخالفت می کردند لذا بطلان این حرف که صحابه همگی عادل و مجتهد هستند مشخص می شود.

^۱ سوره توبه، آیه ۹۷.

پنجم: در جنگ تبوک پیغمبر اعلام جنگ کردند ولی عده ای نرفتند و حضرت خیلی ناراحت شدند و کلا بعضی ها پیغمبر را اذیت می کردند پس نمی توانیم بگوئیم صحابه همگی عادل هستند.

ششم: در سوره احزاب آیه ای است که در آن اینطور گفته شده: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾^۲، البته کسانی که خدا و رسولش را می آزارند خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت آور آماده نموده است، در اینجا یک جریان و وجود دارد که ما قائلیم فاطمه زهراء سلام الله علیها بضعة پیغمبر است و حضرت در چند جا فرموده "فاطمة بضعة منی من آذاها فقد آذانی و من سرها فقد سرنی، مهجة قلبی، ثمرة فؤادی" و از این قبیل تعبیرات، از طرفی اهل سنت روایاتی دارند که خیلی عجیب است! آنها می گویند اینکه پیغمبر فرموده "فاطمة بضعة منی من آذاها فقد آذانی" علتش این است که حضرت امیر علیه السلام خواست دختر ابوجهل را بگیرد و پیغمبر این را شنید و خیلی ناراحت شد که دختر عدو الله و با دختر نبی الله در یک خانه باشد، حضرت مردم را جمع کرد و به منبر رفت و به مردم گفت به علی علیه السلام بگوئید این کار را نکند من خیلی ناراحت و غضبناک هستم و بعد حضرت در اینجا فرمود "فاطمة بضعة منی من آذاها فقد آذانی!" خب این جریان را اینطور به دروغ درست کرده اند تا اینکه خودشان را ثابت کنند و اهل بیت علیهم السلام را بکوبند و رد کنند.

در نهج البلاغه نیز ذکر شده که حضرت امیر علیه السلام موقع دفن فاطمه زهراء سلام الله علیها اینطور فرمودند: ﴿روي عنه أنه قاله عند دفن سيدة النساء فاطمة عليها السلام، كالمناجي به رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عند قبره:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي، وَعَنْ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ فِي جِوَارِكَ، وَالسَّرِيعَةِ اللَّحَاقِ بِكَ! قُلْ، يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، وَرَقِّي عَنْهَا تَجَلُّدِي، إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِي لِي بِعَظِيمِ فَرْقَتِكَ، وَفَادِحِ مُصِيبَتِكَ، مَوْضِعَ تَعَرِّي، فَلَقَدْ وَسَدْتُكَ فِي مَلْخُودَةِ قَبْرِكَ، وَفَاصَتْ بَيْنَ نَحْوِي وَصَدْرِي نَفْسُكَ. "فِي اللَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ". فَلَقَدْ اسْتُرَجَعَتِ الْوَدِيعَةُ، وَأُخِذَتِ الرَّهِينَةُ! أَمَا حُزْنِي

فَسَرَمْتُدَّ، وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسْتَهْدَّةٌ، إِلَى أَنْ يُخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ بِهَا مُقِيمٌ. وَسَتَّبَيْتُكَ ابْنَتُكَ بِتَضَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا، فَأَحْفَهَا السُّؤَالَ، وَاسْتَحْرَهَا الْحَالَ؛ هَذَا وَلَمْ يَطُلِ الْعَهْدُ، وَلَمْ يَخُلْ مِنْكَ اللَّيْزُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمَا سَلَامَ مُودَعٍ، لَا قَالَ وَلَا سَمٍ، فَإِنْ أَنْصَرَفُ فَلَا عَن مَلَائَةٍ، وَإِنْ أَقِمُ فَلَا عَن سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ.﴾^۳

خب از این کلام معلوم می شود که فاطمه زهراء سلام الله علیها را اذیت کرده اند و پیغمبر نیز فرمودند: "فاطمة بضعة منی من آذاها فقد آذانی" و از طرفی در آیه ۵۷ از سوره احزاب نیز خواندیم که کسانی که خدا و رسولش را می آزارند خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت آور آماده نموده است.

خب و اما خود اهل تسنن روایاتی بر خلاف آن دو اصل یعنی "الصاحبة کلهم عدول" و "الصحابه کلهم مجتهدون" دارند که در واقع این دو اصل را رد می کند، مثلا در مسند احمد بن حنبل جلد ۱ صفحه ۴۵۳ اینطور ذکر شده: "قال رسول الله صلى الله عليه وآله و آله و آبي فرطكم على الحوض و آبي سأنزع رجلا فأغلب عليهم، فأقول: يا رب أصحابي، فيقول: إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك"، و چندین خبر دیگر نیز در مسند احمد بن حنبل وجود دارد و همچنین در صحیح بخاری و صحیح مسلم و سنن ابن ماجه نیز اخباری هست که بر همین مطلب دلالت دارند فلذا بطلان اینکه "الصاحبة کلهم عدول" و "الصحابه کلهم مجتهدون" مشخص می شود.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالى ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

کانال رسمی حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی (حفظه الله):

@noorihamedani

کانال دروس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی (حفظه الله):

@noorihamedanidars

^۲ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۲۱۵، کلام ۲۰۲.

^۳ سوره احزاب، آیه ۵۷.